

برای آن آینه شیرین کار

اصغر ارشاد سرابی

بازنشانندگان بازبرخاسته به عذاب الیم گرفتار است! بدین روی، سیاه کردن سینه سپید کاغذ با پریشان حالی از یک سو، و عدم علم و اهلیت از سوی دیگر، جز روسیاهی حاصلی ندارد و از این بابت، امید عفو و اغماض دارم.

وقتی در بازار آشفته بی تمیزی، خزف رونق لعل را می شکند^۱ و آینه های تابناک و جان های شیفته، ناشناخته و سر در گریبان می مانند، تلاش اهل قلم برای زنده نگاه داشتن چراغ دانش، مایه امیدواری و شکرگزاری است.

در روزگاری که مجلات، پس از انتشار چند شماره، یکی

به حُسن و خلق و وفا کسی به یار ما نرسد
ترا درین سخن انکار کار ما نرسد
اگر چه حُسن فروشان به جلوه آمده اند
کسی به حُسن و ملاحظت به یار ما نرسد
به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز
به یار یک جهت حق گزار ما نرسد
هزار نقش برآید ز کلک صُنع و یکی
به دلپذیری نقش نگار ما نرسد
هزار نقصد به بازار کاینات آرند
یکی به سکه صاحب عیار^۱ ما نرسد
دلا زرنج حسودان مرنج و واثق باش
که بد به خاطر امیدوار ما نرسد

حافظ

مُسَوِّد این بیاض، نه در شمار بعضی از استادان باد و بُروت دار و متفرعن دانشگاه است که به یمن عضویت هیئت علمی و فرصت مطالعاتی، عیشش مدام^۲ باشد و نه در زی برخی از اهل صلاح و شرع که دستار و دُرّاعه درپوشد و به مدرسه رود و فتوا نویسد و کارش به کام باشد؛ بل معلمی است شوریده حال و نقد عمر درباخته که پیرانه سر، در تکاپوی تدارک مئونت اهل و عیال و شهریه تحصیل فرزندان- به شیوه آزدش- همچون دیگر

۱. این غزل حافظ، عریضه پایمردی و شفاعتی است در حق قوام الدین محمد صاحب عیار، وزیر شاه شجاع که در سال ۷۶۴ هجری به امر شاه شجاع به قتل رسیده است. حافظ در این غزل وفا و حُسن خلق و ملاحظت صاحب عیار را وصف می کند و به پادشاه اشاره می کند که وی بهترین محرم راز و یار یک جهت حق گزار اوست. ر. ک: بهروز ثروتیان، شرح غزلیات حافظ، تهران، انتشارات پویندگان دانشگاه، ۱۳۸۰، دفتر دوم، ص ۱۶۱۹.

۲. اشاره به این مطلع غزل حافظ است:

عیشم مدام است از لعل دلخواه

کام به کام است الحمدالله

۳. برگرفته از این بیت حافظ است:

جای آن است که خون موج زند در دل لعل

زین تغابن که خزف می شکند بازارش

پس از دیگری به دلایل گوناگون از ادامه راه باز می مانند و تخته بند می شوند، جای بسی شادمانی است که آینده پژوهش از مرز صدمین شماره خود عبور کرده است و همچنان باسرافرازی و هدفمندی به پیش می رود. این مجله گران قدر را می توان نقطه عطفی در تاریخ فرهنگی حوزه به حساب آورد که به همت چند تن آدم درس خوانده و خردمند تأسیس شده و کم کم در میان صاحب نظران حوزه های اسلامی، قبولی عظیم یافته است.

صاحب این قلم که دستی در کار ویرایش و تدوین کتاب و مقاله دارد، می داند که مسئولان آینده پژوهش، برای تدارک و راست و ریس کردن مقالات و مطالب مجله، چه رنج هایی را متحمل می شوند و چه خون دل هایی می خورند. واقعیت این است که تهیه این همه مطلب و بازبینی و سر و سامان دادن آنها - آن هم هر دو ماه یک بار - به صورتی پاکیزه و زیبا و در عین حال آبرومند، کاری دشوار و طاقت فرساست و بیت زیر - همچنان که اشاره کرده اند^۴ - مصداق سخت کوشی و تلاش یاران آینه است.

یری الناس دهناً فی قواریر صافیا

ولم تدر ما یجری علی رأس سمس^۵

آینه پژوهش با انگیزه بهسازی پژوهش و ارتقای دانش دینی در زمینه نقد کتاب، کتاب شناسی و اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی منتشر می شود، و از طریق انتقال اندیشه ها، نقد آرا و معرفی آثار ارزنده علمی، به آگاهی و دانش خوانندگان خود می افزاید.

خلاصه اهداف و فعالیت های این مجله، همچنان که نگاهشته اند، به شرح زیر است:

- معرفی متون بایسته تصحیح، ترجمه و طرح های شایسته پژوهشی؛

- نقد و معرفی کتاب های تحقیقی و تخصصی؛

- ارائه تحقیقات و تجربیات محققان؛

- طرح مباحث و نظریه های جدید در حوزه فرهنگ و اندیشه؛

- شناساندن مراکز علمی - فرهنگی و طرح های پژوهشی؛

- معرفی تازه ترین کتاب ها و مقالات تحقیقی نشریات؛

- تجلیل و یاد از شخصیت های علمی تازه در گذشته.

غیر از آنچه بر شمردیم، آینده پژوهش ارزشمندی های دیگری هم دارد. یکی آن که با درج مقالات علمی، در واقع روش تحقیق و مقاله نویسی را به دانشجویان و طلبه جوان می آموزد و از این طریق، ضعف قوه قلم اهل حوزه را که بسیاری به آن مبتلایند، درمان می کند! دیگر این که آینده سعی کرده میان حوزه و دانشگاه پل بزند؛ هر چند توفیق چندانی در این کار نیافته باشد. همچنین در طراحی، تنوع، صفحه آرایی، زیبایی و جذابیت خود تلاش کرده است.

به طور کلی، مقالات آینده پژوهش، کسالت بار و تکراری نیست. تعارف و مجامله به آن راه نیافته، شأن و شوکت خود را تا به حال، نشکسته و به انحصار افرادی خاص در نیامده است.

آینه، در عرصه مباحث حوزوی، به خصوص، نقد کتاب جوششی به وجود آورده که حالت صوری و سفارشی ندارد. به همین سبب، از شفافیت و جلای خاصی برخوردار است. می توان گفت که در زمینه نقد و بررسی کتاب، به ویژه در محدوده حوزه، علمدار و پیشرو است.

آینه، در انعکاس مقالات، متعصب و یک سونگر نیست و به مقولات فرهنگی از منظر تبلیغی و مقطعی نمی نگرد و مستقل می اندیشد. استواری اندیشه و روشمندی و نلغزیدنش به این سو و آن سو، سبب شده تا اهل قلم به آن اقبال کنند و نخبگان حوزه و بعضاً دانشگاهیان در آن مطلب بنویسند.

بی شک، این سخن سردبیر گرامی آینده پژوهش بجاست که رونق و تداوم مجله را وابسته به همکاری «قبیله قلم»، «فرهیختگان سخت کوش و ارجمند» و «فاضلان ناشناخته» دانسته است؛ اما درایت و خبرگی مسئولان مجله را در ویرایش، آراستن و به سامان رساندن مقالات نمی توان ناچیز شمرد و انکار کرد.

سردبیر و یاوران آینه پژوهش به لحاظ علمی، ملاً و صاحب نظرند و تجربیات گران بهایی در زمینه های مجله گردانی، نقد و نگارش به دست آورده و در هر شماره حرف و حدیث نوی را ارائه کرده اند.

سعی آینه بر آن بوده با چاپ نقدهای منطقی و منصفانه ثابت کند که استمرار و اعتلای معرفت و دانش، منوط به تداول نقد

است و حتی المقدور اجازه نداده، ناقدان پای از دامنه حقیقت جویی فراتر گذارند.

از نظر دور نیست که کنار آمدن با سلیقه های متفاوت، کار ساده ای نیست و آینده با توسعه مشرب، حسن سلوک و بی ربایی خود، توانسته است نظر صاحبان اندیشه و قلم را، از حوزه و دانشگاه، جلب کند و به میدان همکاری سوق دهد.

خلاصه آن که انتشار مجله، عشق و دلدادگی، همت و پشتکار، حوصله و پایداری می طلبد و آینده، این همه را یکجا و به تنهایی دارد.

در پایان، چند پیشنهاد هم دارم که اگر کرده آید، به نظرم آینده را دلخواه تر می کند:

- اگر آینده، نشست هایی را درباره موضوعات مختلف برگزار کند و صاحبان اندیشه و قلم را گرد هم آورد، تبادل نظر آنان مغتنم خواهد بود.

- اگر آینده به حیطه دانشگاه نزدیک تر شود و حتی المقدور، موضوعات و کتاب های متنوع تری بتوانند مجال عرضه بیابند، غنای آینده بیشتر می شود.

- اگر مقالات و نقدهایی که در آینده به چاپ می رسد، کوتاه و موجز تر شود، گنجایش او افزون تر می شود و آثار بیشتری مجال چاپ می یابند. از طرفی مردم روزگار ما با دغدغه های گوناگون موجود، حوصله و فرصت خواندن مقالات و نقدهای طولانی را ندارند.

- اگر در ویرایش علمی و ادبی مقالات، دقت و سخت گیری بیشتری شود، به اتقان و استواری و شفافیت و زیبایی آینده افزوده می شود.

- اگر آینده، چند صفحه را به گزارش سفرهای علمی، آثار ذوقی و خودنوشت بزرگان اختصاص دهد، به طوری که خوانندگان، دمکی از کنکاش و تفحص در بحث های علمی و قبیل و قال مدرسه ای آسوده گردند، حلاوت و شیرینی آینده را بیشتر مز مزه خواهند کرد.

- اگر آینده، در کمند کرشمه آدم های محلی، کمتر گرفتار شود، و همچون غزالان کوه و دشت در جغرافیای گسترده تری یله شود، رادی و آزادگی اش نمایان تر می گردد.

- اگر آینده در پذیرش مقالات، تنها به اعتبار علمی آنها توجه کند و نام و عناوین نویسندگان، او را مفتون و افسون نکند، اعتبار علمی اش محفوظ تر خواهند ماند.

- اگر آینده، خود را - همچنان که هست - از عطای علمی - پژوهشی شدن معاف بدارد و به کابین اصحاب «قیچی» و «چسب» در نیاید، خدارت و عفافش در امان خواهد ماند.

- اگر آینده، با استفاده از اینترنت و سایر ابزارهای اطلاع رسانی، خوانندگان خود، به ویژه اصحاب حجره را از وضعیت تحقیقات اسلامی در دیگر نقاط جهان بیشتر آگاه کند، جذاب و خواستی تر خواهد شد.

- اگر شمارگان آینده، بیشتر و نحوه پخش آن گسترده گردد و سهل تر در دسترس مشتاقان قرار گیرد، خواهندگان بیشتری از آن بهره خواهند برد.

بیش از این مصلدع نمی شوم و از درگاه خداوند برای سیاست گذاران و یاران فاضل و زحمتکش آینده، تندرستی، کامیاری و بهروزی را خواهانم. استواری و راستکاری آینده قابل تمجید و تقدیر است، اما چنانچه قدر و قیمتش، حتی در میان اهل حوزه، چنان که باید و شاید، شناخته نگردد و یابی هنران، چشم انصاف فرو بسته، تماماً نظر به عیب کنند، یاران آینده نباید که رنجیده خاطر و دلگیر شوند و از ادامه راه بازمانند؛ زیرا پاداش آنان در پیشگاه خداوند ضایع نمی ماند؛ همچنان که ابوالقاسم قشیری در حق حسین بن منصور گفت: «اگر مقبول بود، به رد خلق مردود نگردد و اگر مردود بود، به قبول خلق، مقبول نگردد»^۴.



۴. ر. ک: آینده پژوهش، شماره ۱۰۱، سال هفدهم، شماره پنجم، آذر-دی ۱۳۸۵، ص ۲ (سرمقاله).

۵. مردم روغن [کنجد] را در شیشه ها، روشن و زلال می بینند، لیکن نمی توانند چه بر سر کنجد [بیچاره] آمده است.

۶. ر. ک: فریدالدین عطار نیشابوری، تذکرة الاولیاء، به تصحیح محمد استعلامی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۴ ش، ص ۵۸۲ و ۵۸۴.